

مقاله تحلیلی - سناریومحور

ایران پس از طوفان

از مهار خونریزی تا رنسانس شومپتری

سناریوی فرضی گذار با محوریت شاهزاده رضا پهلوی و استقرار

پادشاهی پارلمانی سکولاردموکراتیک، ۲۰۲۶ تا ۲۰۵۰

پیمان بخشایش

جراح تروما | MD, PhD, MBA

اوت ۲۰۲۶

این مقاله یک سناریوی مشروط و قابل بازبینی است؛ نه پیش‌گویی، نه وعده قطعی و نه ادعای سخن گفتن به نام همه مردم ایران.



IRANIAN CIVILISATION & ECONOMIC PROSPERITY OVER TIME

A COMPARISON ACROSS FOUR ERAS: QAJAR DYNASTY, PAHLAVI DYNASTY, ISLAMIC REPUBLIC & A HYPOTHETICAL FUTURE



1. QAJAR DYNASTY 1796 – 1925



CIVILISATION & SOCIETY

- Traditional society with deep cultural heritage and rich art, literature, music and architecture.
- Slow modernization; limited education and infrastructure.
- Coreign influence and unequal treaties weakened sovereignty.
- Strong national identity but political instability and economic stagnation.

ECONOMIC OVERVIEW

- Economy based on agriculture, handicrafts and limited trade.
- Largely feudal system; weak industrial base.
- Concessions to foreign powers drained national wealth.



2. PAHLAVI DYNASTY 1925 – 1979



CIVILISATION & SOCIETY

- Strong central government and national unity.
- Rapid modernization and westernization in education, law, infrastructure, and culture.
- Expansion of universities, healthcare, women's rights and media.
- Flourishing art, literature, cinema and scientific achievements.
- Iran became a key regional power and a modern state.

ECONOMIC OVERVIEW

- Industrialization and economic diversification.
- Oil revenue invested in infrastructure, industry, education and health.
- Strong GDP growth and rising living standards.
- Integration into the global economy.



3. ISLAMIC REPUBLIC 1979 – 2024



CIVILISATION & SOCIETY

- Theocracy and ideological rule limit personal freedoms.
- Restrictions on culture, art, media and academic freedom.
- Brain drain and emigration of millions of Iranians.
- Social tensions and generational divide.
- Despite rich ancient heritage, the regime's priorities weaken national cohesion and cultural flourishing.

ECONOMIC OVERVIEW

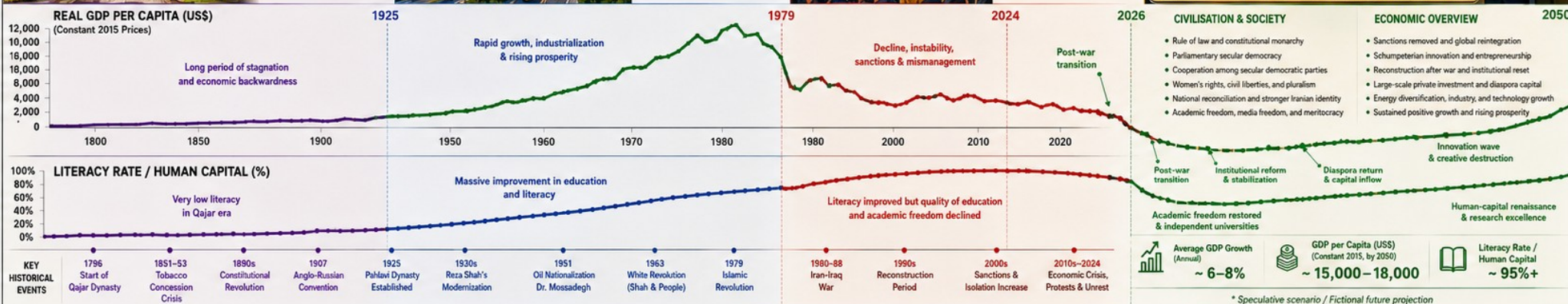
- War, sanctions, mismanagement and corruption.
- Oil-dependent economy with weak productivity.
- High inflation, unemployment and currency devaluation.



4. HYPOTHETICAL SECULAR DEMOCRATIC ERA* Constitutional Monarchy / Parliamentary Secular Democracy 2026 – 2050



REZA PAHLAVI – UNIFYING THE NATION FOR A FREE & PROSPEROUS IRAN



Sources: Maddison Project Database 2023 (MPD) – Bolt & van Zanden, World Bank, UNESCO, Iran Statistical Center, Historical Records, IMF, OECD

* Speculative scenario / Fictional future projection – Not a prediction, but a vision.

شکل ۱. چهار دوره تمدنی - اقتصادی ایران و ادامه فرضی منحنی در یک پادشاهی پارلمانی سکولاردموکراتیک. بخش سبز ۲۰۲۶ تا ۲۰۵۰ سناریو است، نه پیش‌بینی رسمی.

این مقاله یک سناریوی سیاسی - اقتصادی را بررسی می‌کند که در آن جمهوری اسلامی پس از جنگ و بحران نهادی کنار رفته، شاهزاده رضا پهلوی در مقام هماهنگ‌کننده گذار و سپس پادشاه مشروطه غیرحاکم نقش می‌پذیرد، و اکثریت نیروهای سکولاردموکرات در چارچوبی پارلمانی، قانون‌مدار و چندحزبی همکاری می‌کنند. پرسش اصلی این است که در چنین شرایطی، اقتصاد ایران چگونه می‌تواند از مرحله مهار خسارت و تثبیت دولت به مرحله بازسازی، نوآوری و رشد شومپتری وارد شود. تحلیل با تلفیق نظریه «تخریب خلاق» شومپتر، چارچوب PESTEL-C، تحلیل میدان نیروهای کورت لوین، ادبیات گذار دموکراتیک و نقشه تأمین مالی پسمانزعه انجام می‌شود. نتیجه سناریویی آن است که ایران، در صورت حفظ ظرفیت دولت، استقلال بانک مرکزی، حاکمیت قانون، رفع تدریجی تحریم‌ها، جذب سرمایه و دانش دیاسپورا، مشارکت کامل زنان و ایجاد بازار رقابتی، می‌تواند پس از یک افت انتقالی کوتاه وارد دوره‌ای از رشد ۶ تا ۸ درصدی در مرحله جهش و سپس رشد پایدارتر ۳٫۵ تا ۵ درصدی شود. در سناریوی پایه، تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی می‌تواند تا ۲۰۵۰ به حدود ۱۵۲۰۰ دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۵ برسد. این ارقام پیش‌بینی قطعی نیستند؛ خروجی فرض‌های نهادی و اقتصادی‌اند و با شکست امنیت، قانون، اعتماد یا ائتلاف سیاسی می‌توانند تحقق نیابند. [۱-۸، ۳۱-۳۵]

واژگان کلیدی: ایران؛ شاهزاده رضا پهلوی؛ پادشاهی مشروطه؛ سکولاردموکراسی؛ اقتصاد شومپتری؛ تخریب خلاق؛ بازسازی پساجنگ؛ PESTEL-C؛ تحلیل میدان نیروها؛ دیاسپورا؛ بانک جهانی.

فهرست مطالب

یادداشت روش‌شناختی: سناریو، نه پیش‌گویی

۱. ایران در اتاق تروما؛ نخست مهار خون‌ریزی، سپس بازسازی

۲. داستان فرضی: روزی که شاهزاده به ایران بازگشت

۳. نقد جمهوری اسلامی: مسئله فقط یک دولت ناکارآمد نیست

۴. اقتصاد شومپتری ایران نوین: انحصار باید بمیرد، نه انسان

۵. تحلیل PESTEL-C ایران پس از گذار

۶. تحلیل میدان نیروهای کورت لوین

۷. جایگاه آمریکا، اسرائیل و کشورهای خلیج فارس

۸. ایرانیان خارج از کشور؛ بازگشت یا شبکه جهانی ایران

۹. ادامه فرضی منحنی رشد اقتصادی

۱۰. بانک جهانی، وام بازسازی و اعتبار ایران نوین

۱۱. امپراتوری خوشنام؛ نه امپراتوری سرزمین

۱۲. نتیجه‌گیری: شاهزاده می‌تواند در را باز کند؛ نهادها باید آن را باز نگه دارند

منابع و مآخذ

یادداشت روش‌شناختی: این متن پیش‌گویی نیست؛ سناریوی مشروط است

این نوشته نه گزارش وقوع یک انتقال قدرت است، نه ادعای سخن گفتن به نام همه مردم ایران و نه تضمین یک «معجزه اقتصادی». ساختار آن از نوع «اگر-آنگاه» است. هر نتیجه اقتصادی در این مقاله به مجموعه‌ای از شروط سیاسی، امنیتی، حقوقی و اجتماعی وابسته است و با تغییر آن شروط باید بازبینی شود. این تفکیک میان واقعیت، تفسیر و سناریو در متون پیشین نویسنده نیز اصل روش‌شناختی بوده است. [۳۱-۳۴]

اگر جنگ پایان یابد؛ اگر جمهوری اسلامی قدرت را از دست بدهد اما دولت ایران، خدمات عمومی و تمامیت ارضی کشور حفظ شود؛ اگر شاهزاده رضا پهلوی بتواند ائتلافی فراگیر از نیروهای سکولاردموکرات را گرد آورد؛ اگر قدرت انتقالی محدود، پاسخ‌گو و زمان‌مند باشد؛ اگر مردم در فرایندی آزاد به پادشاهی مشروطه پارلمانی رأی دهند؛ و اگر حاکمیت قانون، امنیت مالکیت، رقابت اقتصادی، آموزش آزاد و رابطه عادی با جهان برقرار شود؛ آنگاه ایران می‌تواند وارد یک دوره بازسازی، همگرایی و رشد شومپتری شود.

این احتیاط از نظر اخلاقی نیز ضروری است. نباید گفت «جنگ خوب است»، «سقوط خودبه‌خود دموکراسی می‌آورد» یا «یک شخص پیش از انتخابات وکالت انحصاری همه ملت را دارد». حفاظت از غیرنظامیان، حفظ ظرفیت‌های عمومی دولت، عاملیت ایرانیان، اقتدار موقت محدود، انتخابات آزاد و عدالت انتقالی شروط دفاع‌پذیری هر سناریوی گذارند. پژوهش‌های تطبیقی نیز نشان می‌دهند که فروپاشی اقتدارگرایی می‌تواند به دموکراسی، اقتدارگرایی تازه، کودتا، جنگ داخلی یا دولت ضعیف بینجامد؛ نتیجه تابع نهادها و ترتیب زمانی رخ داده‌است. [۴-۸، ۳۱، ۳۳]

در نسخه زمانی این مقاله، جنگ و بحران سال ۲۰۲۶ هنوز فضای تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند. بر پایه داده‌های مورد استفاده در سناریوی مبنا، اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۶ با رشد واقعی منفی و تورمی بسیار بالا روبه‌رو است. این نقطه آغاز تیره به معنای ناممکن بودن بازسازی نیست، اما نشان می‌دهد منحنی آینده نباید از روز نخست به صورت یک خط عمودی صعودی ترسیم شود. ابتدا باید خون‌ریزی اقتصادی مهار، خدمات عمومی حفظ و اعتماد نهادی بازسازی شود. [۹، ۱۲، ۲۰، ۲۱]

در مورد جایگاه شاهزاده رضا پهلوی نیز باید میان «برجستگی» و «اکثریت قطعی» فرق گذاشت. پیمایش‌ها و گزارش‌های مستقل او را برجسته‌ترین چهره منفرد اپوزیسیون و دارای پایگاهی مهم نشان می‌دهند، اما هیچ نظرسنجی آنلاین، تجمع خارج کشور یا محبوبیت رسانه‌ای جای رأی مخفی شهروندان را نمی‌گیرد. در این سناریو، او نقطه کانونی و امین موقت گذار است؛ نه مالک ایران، نه صاحب حق موروثی بر حکومت و نه جایگزین صندوق رأی. [۱۷-۱۹، ۲۶، ۳۲، ۳۳]

۱. ایران در اتاق تروما؛ نخست مهار خون‌ریزی، سپس بازسازی

از نگاه یک جراح تروما، ایران امروز بیماری نیست که باید از نو خلق شود؛ کشوری زنده، ریشه‌دار و توانمند است که دچار ترومای چندگانه شده است: خون‌ریزی جنگ و سرکوب، شکستگی نهادهای سیاسی، آسیب عروقی اقتصاد و بانکداری، نارسایی تنفسی محیط زیست و آب، و فرسایش عصبی اعتماد اجتماعی.

در تروما، جراح پیش از هر چیز خونریزی را مهار می‌کند. او برای درمان یک شکستگی، قلب بیمار را از کار نمی‌اندازد. در گذار سیاسی نیز نخستین مأموریت، تخریب بیشتر نیست؛ حفاظت از جان مردم، بیمارستان‌ها، بانک مرکزی، آب، برق، مخابرات، بنادر، فرودگاه‌ها، زنجیره دارو، ثبت احوال و پرداخت حقوق است. نظام سیاسی باید دگرگون شود، اما کشور، دولت و زیرساخت عمومی نباید همراه رژیم فروپریزند. [۵، ۳۱-۳۳]

جنگ جراحی نیست. بمباران نیز «تخریب خلاق» شومپتری نیست. تخریب خلاق به معنای کنار رفتن فناوری، انحصار محصول یا سازمان اقتصادی کهنه در برابر نوآوری بهتر است؛ نه مرگ انسان، سوختن کارخانه یا قطع برق بیمارستان.

افزایش تولید ناخالص داخلی در دوره بازسازی نیز الزاماً رفاه از دست‌رفته، مرگ انسان‌ها، آسیب آموزش یا نابودی سرمایه فیزیکی را جبران نمی‌کند. اصطلاح درست‌تر برای آینده مطلوب ایران «بازسازی نهادی همراه با پویایی شومپتری نوآوری و کارآفرینی» است. موفقیت به حفظ بانک مرکزی، ثبت مالکیت، پرداخت حقوق، آب و برق و دارو، نظام مالی شفاف، مناقصه عمومی، مقابله با فساد، بازگشت تخصص دیاسپورا و جذب سرمایه پایدار وابسته است. [۱، ۵، ۹، ۳۱]

رژیم باید تغییر کند؛ اما کشور نباید فروپاشد. دستگاه سرکوب باید منحل یا اصلاح شود؛ اما دولت، بیمارستان، مدرسه و ارتش ملی باید باقی بمانند.

۲. داستان فرضی: روزی که شاهزاده به ایران بازگشت

در این روایت خیالی، جنگ سرانجام با آتش‌بسی قابل نظارت متوقف می‌شود. توان فرماندهی جمهوری اسلامی فرسوده شده، شکاف در رأس قدرت گسترش یافته و بخش‌هایی از نیروهای نظامی، انتظامی و اداری اعلام بی‌طرفی می‌کنند. جمهوری اسلامی فرو می‌ریزد، اما ایران فرو نمی‌ریزد؛ زیرا شبکه خدمات عمومی، بوروکراسی حرفه‌ای و زنجیره فرماندهی ملی با برنامه‌ای از پیش تدوین شده حفظ شده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی به تهران بازمی‌گردد؛ نه با عنوان فرمانروای فاتح، بلکه به‌عنوان امین موقت حاکمیت ملی و هماهنگ‌کننده گذار. او نخستین سخن خود را نه با ادعای وراثت قدرت، بلکه با تعهد به واگذاری قدرت آغاز می‌کند:

«من برای تصاحب ایران بازنگشته‌ام؛ آمده‌ام تا ایران را به صاحبانش، یعنی شهروندان ایران، بازگردانم.»

او منشوری عمومی امضا می‌کند که چهار اصل بنیادین دارد: تمامیت ارضی، برابری کامل شهروندان، جدایی دین و دولت و حق مردم برای انتخاب آزادانه شکل حکومت. این اصول با مواضع اعلامی او هم‌سو است، اما در یک نظم دموکراتیک اعتبار نهایی نه از بیانی، بلکه از سازوکار، تیم، شفافیت و رفتار در بحران به دست می‌آید. [۲۶، ۳۲، ۳۳]

شورای گذار از یک حلقه بسته تشکیل نمی‌شود. مشروطه‌خواهان، جمهوری‌خواهان، لیبرال‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها، چپ‌های دموکرات، سبزه‌ها، محافظه‌کاران دموکرات، ملی‌گرایان مدنی، دین‌باوران سکولار، نمایندگان زنان، کارگران، دانشجویان، دانشگاهیان، استان‌ها، اقوام، ادیان و ایرانیان خارج از کشور در آن حضور دارند. هر جریان حق دارد حافظه و تحلیل خود را حفظ کند، اما همه درباره مقصد و قواعد رقابت توافق می‌کنند. [۳۳-۳۵]

«وحدت در مقصد و قواعد؛ تکرار در حافظه و تحلیل.»

صد روز نخست

در صد روز نخست، زندانیان سیاسی آزاد، اعدام متوقف، حجاب اجباری و قوانین جرم‌انگار عقیده لغو و اینترنت آزاد می‌شود. نیروهای نظامی و اداری بر اساس مسئولیت فردی ارزیابی می‌شوند؛ نه همه کارکنان دولت مجرم شناخته می‌شوند و نه مرتکبان جنایت از پاسخ‌گویی می‌گریزند. بیمارستان‌ها، نیروگاه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، مراکز هسته‌ای، انبارهای غذا و اسناد دولتی حفاظت می‌شوند. [۳۱، ۳۲، ۳۵]

بانک مرکزی استقلال عملی می‌یابد. حقوق کارکنان، بازنشستگان، پزشکان، پرستاران، معلمان و نیروهای خدمات عمومی پرداخت می‌شود. بودجه اضطراری، حمایت غذایی و دارویی، کنترل موقت خروج سرمایه و انتشار فهرست بدهی‌های عمومی در دستور کار قرار می‌گیرد. دولت انتقالی اجازه ندارد قراردادهای بلندمدت محرمانه درباره منابع ملی امضا کند.

از گذار تا قانون اساسی

در ماه ششم، انتخابات مجلس مؤسسان برگزار می‌شود. دو بسته قانون اساسی با حقوق بنیادین هم‌ارز به جامعه ارائه می‌شود: جمهوری پارلمانی و پادشاهی مشروطه پارلمانی. در این داستان فرضی، مردم پس از بحث آزاد با رأی روشن به پادشاهی مشروطه پارلمانی رأی می‌دهند. پادشاه رئیس کشور و نماد تداوم ملی است؛ نخست‌وزیر را اکثریت پارلمان تعیین می‌کند و تاج نه حزب می‌سازد، نه دادگاه و رسانه را کنترل می‌کند و نه در سیاست روزمره مداخله دارد. [۳۳، ۳۵]

«تاج زیر قانون؛ نه قانون زیر تاج. پادشاه نماد ایران؛ دولت برآمده از پارلمان.»

در چنین ساختاری، وفاداری به پادشاه با اطاعت سیاسی یکسان نیست. وفاداری حقیقی، وفاداری به قانون اساسی، تمامیت ارضی، حقوق شهروندان و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت است. پادشاه نیز با سوگند به قانون، قدرت نمادین خود را برای حمایت از قواعد مشترک به کار می‌گیرد، نه برای تبدیل شدن به رهبر یک جناح.

۳. نقد جمهوری اسلامی: مسئله فقط یک دولت ناکارآمد نیست

مشکل جمهوری اسلامی صرفاً چند مدیر ضعیف، چند پرونده فساد یا چند تصمیم اقتصادی اشتباه نیست. مسئله، معماری نهادی حکومتی است که در آن رأی مردم زیر وتوی نهادهای دینی قرار دارد؛ اقتصاد در اختیار شبکه‌ای از بنیادها، نهادهای امنیتی و

انحصارهای شبه‌دولتی است؛ سیاست خارجی به میدان صدور ایدئولوژی و جنگ نیابتی تبدیل شده؛ و تحریم و دشمنی دائمی برای گروه‌های رانتی به منبع قدرت بدل شده است. [۲۷-۲۹، ۳۲]

حاصل این نظام فقط کاهش تولید نیست؛ تبدیل سرمایه انسانی به سرمایه مهاجر، تبدیل کارآفرین به مجوزخواه، تبدیل بازار به رانت و تبدیل سیاست خارجی به ماشین تولید دشمن است. منابع نفت، گاز، معدن و موقعیت جغرافیایی، بدون نهادهای سالم، نعمت تضمین‌شده نیستند؛ می‌توانند خوراک دولت رانتی و اقتصاد بسته شوند. بانک جهانی در کنار ظرفیت بازار بزرگ و نیروی انسانی تحصیل‌کرده، بر فشار منازعه، تحریم، کمبود آب و انرژی، ضعف سرمایه‌گذاری و افت درآمد واقعی تأکید کرده است. [۹]

یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های آزاد نشده، زنان ایران‌اند. مشارکت بسیار پایین زنان در بازار کار به معنای حذف بخش بزرگی از استعداد، مدیریت، کارآفرینی و درآمد خانوار است. برابری حقوقی و اقتصادی زنان فقط یک مطالبه اخلاقی نیست؛ یکی از مهم‌ترین اصلاحات طرف عرضه و سرمایه انسانی برای ایران آینده است. [۱۱، ۳۵]

در عین حال، تصویر «ایران برای همیشه جوان» دقیق نیست. کشور هنوز جمعیت بزرگی در سن کار دارد، اما با کاهش باروری و سالمندی سریع روبه‌رو است. بنابراین پنجره جمعیتی محدود است. تأخیر در اصلاح آموزش، اشتغال زنان، مهاجرت معکوس و بهره‌وری می‌تواند این فرصت را از میان ببرد. [۲۲]

۴. اقتصاد شومپتری ایران نوین: انحصار باید بمیرد، نه انسان

در نظریه شومپتر، موتور رشد فقط استخراج نفت یا افزایش هزینه دولت نیست. موتور واقعی، کارآفرین، نوآوری، فناوری تازه، بازار تازه، سازمان تازه و رقابتی است که بنگاه‌های ناکارآمد را وادار به تغییر می‌کند. «تخریب خلاق» در این معنا، جابه‌جایی منابع از فعالیت‌های کهنه و رانتی به فعالیت‌های مولدتر است. [۱]

در ایران نوین، آنچه باید تخریب شود عبارت است از:

- انحصارهای نظامی، مذهبی و شبه‌دولتی؛
- مجوزهای رانتی، نرخ‌های چندگانه ارز و تخصیص اعتبارات بر اساس رابطه؛
- بانک‌های ورشکسته متصل به قدرت و شرکت‌های صوری؛
- مناقصه‌های محرمانه و استخدام بر اساس وفاداری ایدئولوژیک؛
- فیلترینگ، انحصار داده و جلوگیری از اقتصاد دیجیتال؛
- خام‌فروشی منابع و تبدیل نفت به بودجه مصرفی کوتاه‌مدت.

آنچه باید آفریده شود عبارت است از:

- دادگاه مستقل تجاری، اجرای قرارداد و ثبت شفاف مالکیت؛
- قانون ورشکستگی مدرن، قانون رقابت و منع انحصار؛
- شرکت‌های کوچک و متوسط، سرمایه خطرپذیر و بازار سرمایه شفاف؛
- دانشگاه آزاد، پژوهش رقابتی و پیوند دانشگاه با صنعت؛
- هوش مصنوعی، نرم‌افزار، تجهیزات پزشکی، زیست‌فناوری و صنایع پیشرفته؛
- فناوری آب، شیرین‌سازی، بازیافت، کشاورزی دقیق و شبکه برق هوشمند؛

- زنجیره ارزش مس، آهن، طلا، پتروشیمی و مواد پیشرفته؛
- اقتصاد سبز، گردشگری، بنادر، ترانزیت و صادرات خدمات حرفه‌ای.

اقتصاد شومپتری بدون حمایت اجتماعی می‌تواند بیکاری انتقالی، نابرابری و واکنش سیاسی ایجاد کند. بنابراین پویایی بازار باید با بیمه بیکاری، بازآموزی شغلی، حقوق اتحادیه‌ها، بازنشستگی قابل انتقال، سلامت همگانی و حمایت موقت از خانوارهای آسیب‌پذیر همراه باشد. اقتصاد سالم به کارآفرین اجازه موفقیت می‌دهد، اما اجازه نمی‌دهد شکست یک فناوری قدیمی به نابودی خانواده کارگر بینجامد. [۳۵، ۶]

شش موتور جهش شومپتری

برای آنکه نوآوری از شعار به رشد قابل سنجش تبدیل شود، شش موتور باید هم‌زمان روشن شوند. ضعف هر موتور می‌تواند بازده پنج موتور دیگر را نیز کاهش دهد.

موتور رشد	سازوکار اثرگذاری
حاکمیت قانون و ثبات پولی	کاهش ریسک، کاهش هزینه سرمایه، قرارداد قابل اجرا و تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری مولد.
مشارکت اقتصادی زنان	افزایش عرضه مهارت، درآمد خانوار، کارآفرینی و کیفیت تصمیم‌گیری در بنگاه و دولت.
دیاسپورا و گردش دانش	انتقال فناوری، سرمایه، استاندارد حرفه‌ای، شبکه بازار و مدیریت پروژه بدون جایگزین شدن با جامعه داخل.
انرژی، معدن و زنجیره ارزش	حرکت از خام‌فروشی به پالایش، مواد پیشرفته، پتروشیمی، فلزات فرآوری‌شده و صادرات صنعتی.
اقتصاد دیجیتال و دانشگاه آزاد	رشد بهره‌وری از راه هوش مصنوعی، نرم‌افزار، پژوهش رقابتی، دولت دیجیتال و دسترسی آزاد به اطلاعات.
صلح منطقه‌ای و ادغام جهانی	کاهش حق بیمه ریسک، امنیت هرمن، توسعه ترانزیت، گردشگری، صادرات خدمات و دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر.

جدول میان‌بخشی. شش موتور مکمل برای تبدیل بازسازی به رشد بهره‌وری‌محور.

رشد پایدار = سرمایه‌گذاری مولد + افزایش بهره‌وری + مشارکت نیروی کار + ادغام جهانی + اعتماد نهادی

۵. تحلیل PESTEL-C ایران پس از گذار

چارچوب PESTLE عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، زیست محیطی و حقوقی را می‌سنجد. برای سازگاری با مسئله ایران، بُعد فرهنگی نیز به‌عنوان C مستقل افزوده شده است. جدول زیر فرصت‌ها را در کنار شروط موفقیت و خطرهای شکست نشان می‌دهد. [۲۳، ۳]

بُعد	فرصت ایران نوین	شرط موفقیت و خطر شکست
سیاسی	رهبری کانونی شاهزاده، ائتلاف چندحزبی، پادشاهی پارلمانی و پایان حکومت ایدئولوژیک.	مأموریت انتقالی باید محدود و پاسخ‌گو باشد. شخص‌پرستی، حذف جمهوری‌خواهان یا ایجاد نیروی مسلح حزبی می‌تواند گذار را منحرف کند.
اقتصادی	رفع تدریجی تحریم‌ها، بازگشت به تجارت جهانی، نفت و گاز، گردشگری، ترانزیت و بازار بزرگ داخلی.	استقلال بانک مرکزی، مهار کسری بودجه، اصلاح بانک‌ها و جلوگیری از خصوصی‌سازی رانتی ضروری است.
اجتماعی	مشارکت زنان، طبقه تحصیل‌کرده، شبکه‌های حرفه‌ای، جوانان و همکاری دیاسپورا.	نابرابری، بیکاری، شوک قیمتی و انتقام جمعی می‌توانند اعتماد عمومی را نابود کنند.
فرهنگی	ملی‌گرایی مدنی، آزادی هنر، دین و بی‌دینی، و احیای نمادهای مشترک در قالبی فراگیر.	وطن‌دوستی نباید به برتری قومی، تحقیر زبان‌ها، حذف مذهبیان یا تقدیس بی‌انتقاد گذشته تبدیل شود.
فناوری	هوش مصنوعی، پزشکی، مهندسی، انرژی پاک، صنایع معدنی پیشرفته، فناوری آب و دولت دیجیتال.	انحصار داده، نظارت سیاسی، اینترنت محدود و مهاجرت دوباره متخصصان، اقتصاد دانش‌بنیان را عقیم می‌کند.
زیست محیطی	آفتاب، باد، بهره‌وری انرژی، آبیاری هوشمند و بازسازی حوضه‌های آبریز.	رونق نفتی بدون سیاست آب و اقلیم، فرونشست زمین و مهاجرت داخلی را تشدید خواهد کرد.
حقوقی و تقنینی	قانون اساسی سکولار، قوه قضاییه مستقل، امنیت قرارداد و مالکیت، قانون رقابت و مناقصات عمومی.	حکومت با فرمان‌های استثنایی، مصادره بی‌ضابطه یا قراردادهای محرمانه دوباره اقتصاد رانتی را بازتولید می‌کند.

جدول ۱. تحلیل PESTEL-C سناریوی ایران پس از گذار.

۶. تحلیل میدان نیروهای کورت لوین

تحلیل میدان نیروها تغییر را حاصل کشاکش میان نیروهای محرک و بازدارنده می‌داند. امتیازهای ۱ تا ۵ در جدول زیر سناریویی و تفسیری‌اند؛ داده آماری یا پیش‌بینی انتخاباتی نیستند. [۲، ۲۴]

نیروی محرک تغییر	شدت	نیروی بازدارنده	شدت
نارضایتی گسترده و گرایش به تغییر بنیادی	۵	جنگ، تلفات غیرنظامی و تخریب زیرساخت	۵
سرمایه نمادین و شناخته‌شدگی شاهزاده رضا پهلوی	۴	نبود اجماع کامل و بی‌اعتمادی میان گروه‌های اپوزیسیون	۴
سرمایه انسانی، سواد، دانشگاه‌ها و حضور فعال زنان	۴	تورم، بحران بانک‌ها، سقوط پول و فقر	۵
تخصص و سرمایه ایرانیان خارج از کشور	۴	اختلافات دیاسپورا و نامعلوم بودن میزان بازگشت واقعی	۳
نفت، گاز، معدن، موقعیت ترانزیتی و تنگه هرمز	۴	اقتصاد رانته، بحران آب و شبکه‌های انحصاری	۵
علاقه منطقه و جهان به ایرانی باثبات و قابل پیش‌بینی	۳	تفاوت منافع آمریکا، اسرائیل، اروپا، اعراب، چین و روسیه	۴
آرمان وحدت ملی و حافظه دولت‌سازی پهلوی	۴	خطر انتقام‌جویی، پاک‌سازی جمعی و شخص‌محوری	۴

جدول ۲. نیروهای محرک و بازدارنده در سناریوی گذار؛ شدت‌ها داوری تحلیلی نویسنده‌اند.

در این وضعیت، راهبرد موفق فقط افزودن فشار به نیروهای محرک نیست. کاهش ترس، بی‌اعتمادی، خشونت و ابهام نهادی گاه مؤثرتر است. پنج مانع اصلی باید کاهش یابد: پایان جنگ و آسیب غیرنظامی؛ فرماندهی قانونی واحد نیروهای مسلح؛ ائتلاف واقعی و نه نمایشی؛ تقویم روشن مجلس مؤسسان و انتخابات؛ و برنامه اقتصادی و مالی آماده برای روز بعد. جنگ شاید پنجره‌ای بگشاید، اما خانه دموکراسی را نمی‌سازد. [۴-۸، ۳۱-۳۳]

۷. جایگاه واقعی آمریکا، اسرائیل و کشورهای خلیج فارس

هیچ کشور خارجی عاشق ایران نیست؛ هر دولت پیش از هر چیز منافع ملی خود را دنبال می‌کند. آمریکا به مسئله هسته‌ای، امنیت نیروها، کشتیرانی و توازن قدرت می‌اندیشد. اسرائیل به پایان تهدید موشکی، هسته‌ای و نیابتی توجه دارد. کشورهای عربی خلیج فارس خواهان امنیت تأسیسات انرژی، بنادر، آب‌شیرین‌کن‌ها، فرودگاه‌ها و تجارت خود هستند. [۲۰، ۲۱، ۲۵]

حملات موشکی و پهلادی جمهوری اسلامی و اختلال در تنگه هرمز، منطقه را مستقیماً در معرض هزینه قرار داده است. از این رو، کشورهای خلیج فارس ممکن است از ظهور ایرانی باثبات، غیرتهاجمی و قانون‌مدار استقبال کنند. با این حال، هم‌پوشانی منافع را نباید با حمایت رسمی از یک فرد یا پذیرش شکل مشخص حکومت یکی گرفت. منبع معتبر مستقلی که حمایت جمعی کشورهای خلیج فارس از به‌قدرت‌رسیدن شاهزاده را اثبات کند، در دست نیست.

در سناریوی مطلوب، حمایت خارجی چهار شکل دارد: حفاظت از غیرنظامیان و زیرساخت حیاتی؛ رفع مرحله‌ای و قابل راستی‌آزمایی تحریم‌ها؛ تضمین سرمایه‌گذاری و بیمه ریسک سیاسی؛ و انتقال دانش، فناوری و منابع مالی. این حمایت نباید به تعیین فرمانروای ایران، اشغال، تجزیه، قرارداد محرمانه یا واگذاری منابع ملی منجر شود. قرارداد خارجی باید محدود، شفاف، پارلمانی و قابل فسخ باشد. [۱۳-۱۵، ۳۱، ۳۲]

اعتبار خارجی باید پیامد مشروعیت ایرانی باشد، نه جایگزین آن.

۸. ایرانیان خارج از کشور؛ بازگشت همگانی یا شبکه جهانی ایران؟

برآورد اندازه دیاسپورای ایرانی یکسان نیست و دامنه‌های چندمیلیونی متفاوتی ذکر می‌شود. هیچ داده‌ای نیز نشان نمی‌دهد که همه ایرانیان خارج کشور قصد بازگشت دائمی دارند. جامعه ایرانی خارج کشور از نظر سیاسی، نسلی، اقتصادی و سبک زندگی متکثر است. بنابراین برنامه بازسازی نباید بر وعده غیرواقعی «بازگشت فوری همه» بنا شود. [۱۹، ۳۱-۳۵]

چهار نوع بازگشت یا مشارکت قابل تصور است:

- بازگشت دائمی متخصصان، کارآفرینان و خانواده‌ها؛
- مهاجرت گردشی و تقسیم زمان میان ایران و کشور محل اقامت؛
- سرمایه‌گذاری، راه‌اندازی شرکت و تأمین مالی بدون اقامت دائم؛
- انتقال دانش از راه دانشگاه، پزشکی از راه دور، پژوهش و شبکه‌های حرفه‌ای.

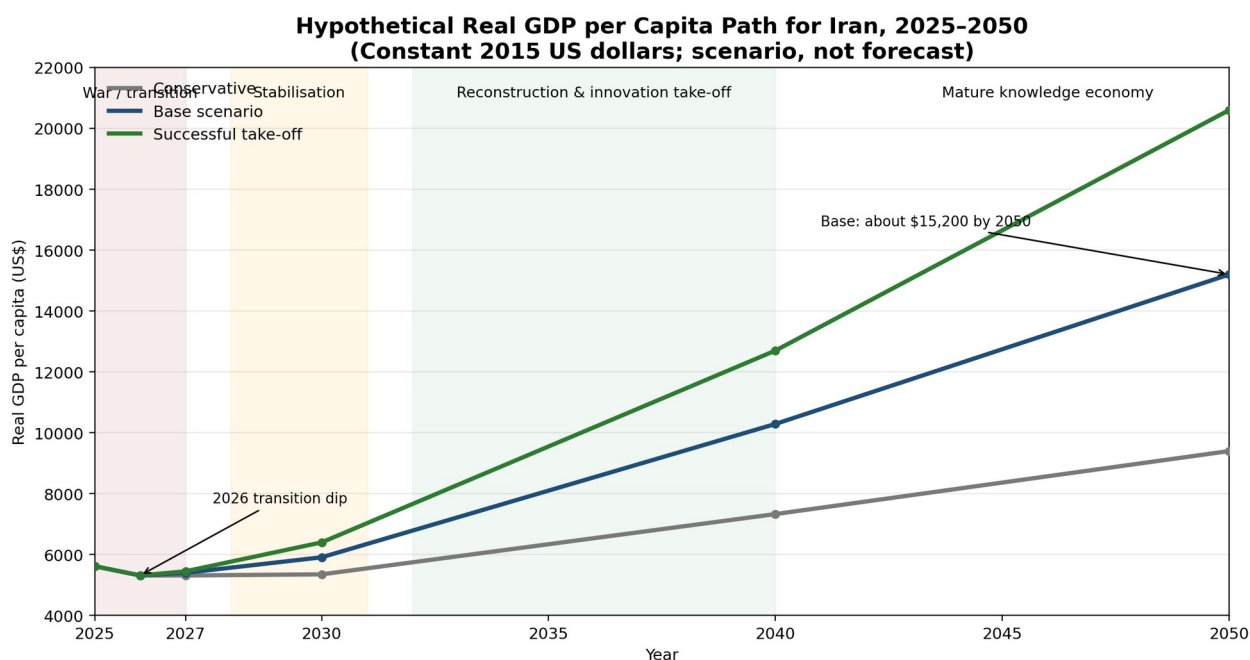
برای برنامه‌ریزی می‌توان در سناریوی پایه، بازگشت یا رفت‌وآمد حرفه‌ای ۵۰۰ هزار تا ۱٫۵ میلیون نفر طی ده سال را فرض کرد. این عدد پیش‌بینی آماری نیست؛ فرضی برای سنجش ظرفیت مسکن، مدرسه، بیمارستان، اشتغال و سرمایه‌گذاری است. دیاسپورا نباید طبقه حاکم جدیدی باشد که جای مردم داخل را بگیرد. نقش آن باید مکمل باشد: سرمایه، تخصص، ارتباط جهانی و آموزش؛ با مدیریت محلی و پاسخ‌گویی عمومی. [۳۵]

۹. شکل پیشنهادی ادامه منحنی رشد اقتصادی

مبنای عددی سناریو، تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی حدود ۵۶۱۷ دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۵ در سال ۲۰۲۵ است. این مقدار با داده‌های بانک جهانی سازگار است، اما ارقام آتی محصول فرض‌های این مقاله‌اند. [۱۰]

$$GDP_{pc2050} = GDP_{pc2025} \times \prod (1 + g_t) \quad \text{برای سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۵۰}$$

منحنی آینده باید شکل [یا تیک‌مانند داشته باشد: افت کوتاه‌مدت ناشی از جنگ و انتقال، سپس تثبیت، بازسازی و در صورت موفقیت نهادهای، شتاب نوآوری. عدد ۶ تا ۸ درصد بهتر است به دوره جهش ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۵ نسبت داده شود، نه به کل بیست‌وپنج سال. میانگین بلندمدت سناریوی پایه حدود ۴ درصد رشد واقعی سرانه و ۴٫۵ تا ۵٫۵ درصد رشد واقعی کل اقتصاد در نظر گرفته می‌شود.



شکل ۲. سه مسیر فرضی تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی ایران. نوارهای زمانی نشان‌دهنده گذار، تثبیت و جهش نوآوری‌اند؛ نمودار پیش‌بینی رسمی نیست.

مسیر زمانی سناریوی پایه

دوره	رشد واقعی محتمل	معنای اقتصادی
۲۰۲۶-۲۰۲۷	حدود ۵٫۴- تا صفر درصد	پایان جنگ، مهار تورم، حفظ خدمات،

دوره	رشد واقعی محتمل	معنای اقتصادی
		پرداخت حقوق و پاکسازی ترازنامه بانکها.
۲۰۲۸-۲۰۲۹	۲ تا ۵ درصد	ثبات پولی، آغاز رفع تحریم، بازگشت تجارت، بیمه ریسک و سرمایه‌گذاری اولیه.
۲۰۳۰-۲۰۳۵	۶ تا ۸ درصد	موج بازسازی، زیرساخت، سرمایه‌دیا سپورا، رقابت و جهش شومپتری.
۲۰۳۶-۲۰۴۰	۵ تا ۶٫۵ درصد	رشد بهره‌وری، صنعت پیشرفته، فناوری، زنجیره ارزش و صادرات غیرنفتی.
۲۰۴۱-۲۰۵۰	۳٫۵ تا ۵ درصد	اقتصاد بالغ‌تر، نوآوری پایدار و نزدیک شدن تدریجی به سطح کشورهای پردرآمد.

جدول ۳. مسیر زمانی فرضی رشد واقعی در سناریوی پایه.

سه سناریوی عددی تا ۲۰۵۰

سناریو	سرانه ۲۰۳۰	سرانه ۲۰۴۰	سرانه ۲۰۵۰	متوسط رشد واقعی سرانه
محافظه‌کارانه	۵۳۵۰ ≈	۷۳۳۰ ≈	۹۴۰۰ ≈	۲٫۱٪
پایه	۵۹۱۰ ≈	۱۰۲۹۰ ≈	۱۵۲۰۰ ≈	۴٫۱٪
جهش موفق	۶۴۰۰ ≈	۱۲۷۰۰ ≈	۲۰۶۰۰ ≈	۵٫۳٪

جدول ۴. همه ارقام به دلار ثابت ۲۰۱۵ هستند و نه درآمد اسمی آینده.

عبارت‌های پیشنهادی برای درج بر روی ادامه منحنی عبارت‌اند از:

- ۲۰۲۶-۲۰۲۷: مهار خون‌ریزی و حفظ دولت؛
- ۲۰۲۸-۲۰۳۰: ثبات پولی و بازگشت به جهان؛
- ۲۰۳۱-۲۰۳۵: موج بازسازی و جهش سرمایه‌گذاری؛
- ۲۰۳۶-۲۰۴۰: طوفان نوآوری و تخریب خلاق شومپتری؛
- ۲۰۴۱-۲۰۵۰: اقتصاد دانش‌بنیان و دموکراسی پارلمانی بالغ.

برای مقایسه تاریخی، داده‌های پیش از میانه قرن بیستم بازسازی‌های تاریخی‌اند و با حساب‌های ملی جدید کیفیت یکسان ندارند. رشد سریع دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نشان می‌دهد جهش بالا برای چند سال ممکن است؛ اما تداوم آن برای یک ربع قرن فقط با کیفیت نهادی، سرمایه‌گذاری، ثبات پولی و بهره‌وری ممکن خواهد بود. [۲۷-۲۹]

۱۰. آیا شاهزاده می‌تواند از بانک جهانی «وامی بزرگ» بگیرد؟

نام، سابقه و ارتباطات شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند درهای دیپلماسی را باز و هزینه شناخت اولیه را کاهش دهد؛ اما بانک جهانی بر اساس نام خانوادگی، محبوبیت یا عنوان سلطنتی وام نمی‌دهد. وام و تضمین مالی به شناسایی دولت قانونی، پایداری بدهی، ظرفیت اجرایی، نظام مناقصه، مدیریت مالی، ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی و تصویب نهادهای ذی‌ربط وابسته است. [۱۳-۱۵]

دولت انتقالی یا منتخب برای دریافت بسته بازسازی باید دست‌کم این شروط را فراهم کند:

- شناسایی بین‌المللی دولت قانونی و روشن شدن نمایندگی حقوقی ایران؛
- پایان یا تعلیق تحریم‌های اصلی مالی و بانکی؛
- حسابرسی بانک مرکزی، صندوق‌ها و بدهی‌های پنهان؛
- قانون بودجه، سقف بدهی و انتشار قراردادهای عمومی؛
- دادگاه مستقل، اجرای قرارداد و نظام مناقصه الکترونیک؛
- ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی و پروژه‌های آماده اجرا.

بسته سناریویی «بازسازی و نوآوری ایران»

منبع فرضی	مبلغ سناریویی	کاربرد
IBRD و ابزارهای مستقیم بانک جهانی	۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار	آب، برق، سلامت، حمل‌ونقل، شهرداری و دولت دیجیتال.
IFC و تضمین‌های MIGA	حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌بسیج‌شده	کاهش ریسک سرمایه‌گذار خصوصی و پروژه‌های زیربنایی.
برنامه تثبیت صندوق بین‌المللی پول	حدود ۱۰ میلیارد دلار	ذخایر ارزی، اصلاح پولی، نظام بانکی و تراز پرداخت‌ها.
اروپا، ژاپن و کشورهای خلیج فارس	۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار	اعتبار صادراتی، انرژی، آب، راه‌آهن، بنادر و بیمه.
سرمایه‌گذاری مستقیم و اوراق داوطلبانه دیاسپورا	۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار	شرکت‌ها، فناوری، مسکن، گردشگری و صنایع صادراتی.

جدول ۵. بسته فرضی حدود ۷۵ میلیارد دلار طی پنج تا هفت سال؛ این ارقام تعهد هیچ نهادی نیستند.

این معماری مالی باید ترکیبی باشد، نه یک فقره وام نقدی بی‌قید. MIGA و دیگر نهادهای تضمین‌کننده می‌توانند ریسک جنگ، آشوب، مصادره یا محدودیت انتقال پول را پوشش دهند و از این طریق سرمایه خصوصی را بسیج کنند. صندوق بین‌المللی پول نیز فقط در قالب برنامه‌ای با شروط روشن ثبات پولی و توان بازپرداخت وارد می‌شود. [۱۳-۱۵]

وام بازسازی نباید خرج دستگاه تبلیغاتی، استخدام سیاسی، یارانه کور یا دربار پرهزینه شود. هر دلار بدهی باید به ظرفیت تولید و درآمد آینده پیوند داشته باشد. بازپرداخت باید از رشد صادرات غیرنفتی، مالیات شفاف، درآمد پروژه‌ها، سود صندوق ثروت ملی و افزایش بهره‌وری صورت گیرد؛ نه از چاپ پول یا وثیقه کردن محرمانه منابع طبیعی.

«نام پهلوی می‌تواند اعتبار سیاسی اولیه بسازد؛ وثیقه واقعی وام، قانون، پروژه، ترازنامه و اعتماد است.»

۱۱. امپراتوری خوشنام؛ نه امپراتوری سرزمین

ایران قرن بیست‌ویکم قرار نیست امپراتوری هخامنشی را با لشکرکشی و گسترش مرز بازسازی کند. بازگشت به شکوه، معنایی مدرن دارد:

- امپراتوری قانون، نه اشغال؛
- امپراتوری فرهنگ، نه اجبار؛
- امپراتوری تجارت، نه موشک؛
- امپراتوری دانشگاه، پزشکی و فناوری، نه نیروی نیابتی؛
- امپراتوری اعتبار، نه وحشت.

ایران می‌تواند آن‌قدر خوشنام، باثبات و مولد شود که بازرگان عرب، مهندس اروپایی، دانشمند اسرائیلی، سرمایه‌گذار آمریکایی، صنعتگر هندی و کارآفرین ایرانی بخواهند با آن همکاری کنند؛ نه از ترس موشک، بلکه به دلیل اعتماد به قرارداد، کیفیت دانش و ثبات قانون. قدرت پایدار از مالیات پاسخ‌گو، دانشگاه آزاد، دادگاه مستقل، بازار رقابتی، مدیریت آب و صلح منطقه‌ای می‌آید. [۹، ۲۵، ۳۲]

در چنین ایرانی، کوروش ابزار تبلیغات حکومتی نیست؛ نماد این اصل است که قدرت زمانی بزرگ است که بتواند خود را محدود کند. شیر و خورشید نیز نه نشان حذف جمهوری‌خواه، چپ، کرد، بلوچ، عرب، آذری، مسلمان، بهایی، یهودی، مسیحی یا بی‌دین، بلکه سایه‌بان شهروندی برابر خواهد بود. [۳۲-۳۵]

۱۲. نتیجه‌گیری: شاهزاده می‌تواند در را باز کند؛ نهادها باید آن را باز نگه دارند

در این سناریوی حماسی، شاهزاده رضا پهلوی به ایران بازمی‌گردد، ائتلافی ملی را گرد می‌آورد، جمهوری اسلامی پایان می‌یابد و مردم در فرایندی آزاد پادشاهی مشروطه پارلمانی را انتخاب می‌کنند. اما حماسه حقیقی در لحظه ورود هواپیما یا مراسم تاج‌گذاری خلاصه نمی‌شود. حماسه واقعی زمانی آغاز می‌شود که قدرت از حق ویژه به امانت عمومی تبدیل شود.

معیارهای حماسه واقعی عبارت‌اند از:

- نخستین زندانی سیاسی بدون معامله آزاد شود؛
 - نخستین زن بدون تبعیض وزیر، قاضی، فرمانده یا کارآفرین شود؛
 - نخستین دادگاه علیه دولت و به سود یک شهروند حکم دهد؛
 - نخستین حزب حاکم در انتخابات شکست بخورد و مسالمت‌آمیز قدرت را واگذار کند؛
 - نخستین قرارداد نفتی به‌طور کامل برای مردم منتشر شود؛
 - و نخستین پادشاه مشروطه نشان دهد که قدرت نمادینش را برای حفاظت از قانون به کار می‌برد، نه برای حکومت کردن.
- نام پهلوی می‌تواند پل باشد؛ اما هیچ پلی مالک مقصد نیست. دفاع معتبر از نقش رضا پهلوی بر هماهنگی ائتلاف، پیوند با جهان و تضمین واگذاری قدرت به مجلس مؤسسان و رأی مردم استوار است. حامیان او نیز باید از دو افراط دوری کنند: تبدیل او به چهره‌ای بی‌خطا که هر نقدش توطئه است، و انتظار غیرواقعی که یک فرد بدون شبکه، حزب، نهاد و همکاری جمعی همه مشکلات ایران را حل کند. [۲۶، ۳۲-۳۴]
- ایران نوین را یک نفر نمی‌سازد. آن را پزشک و پرستار، مهندس و کارگر، معلم و استاد، زن و مرد، کشاورز و صنعتگر، ارتشی میهن‌دوست، کارآفرین، هنرمند، روزنامه‌نگار، دانشجو و ایرانیان داخل و خارج با هم خواهند ساخت. شاهزاده می‌تواند جهت و هماهنگی بدهد؛ جامعه باید سازمان، نظارت و مشروعیت فراهم کند.

منحنی سبز آینده با جادوی یک نام بالا نمی‌رود؛ با جمع شدن پنج سرمایه بالا می‌رود: سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی، سرمایه طبیعی و سرمایه اعتماد جهانی.

نه کشوری که همسایگان از آن بترسند؛ بلکه کشوری که جهان به آن اعتماد کند.
نه امپراتوری خاک؛ بلکه امپراتوری خوشنامی، علم، قانون و رفاه.

منابع و مآخذ

منابع زیر برای تفکیک نظریه، داده، موضع رسمی و سناریوی نویسنده تنظیم شده‌اند. منابع رسمی سیاسی صرفاً بیانگر مواضع اعلامی‌اند و به‌تنهایی اثبات‌کننده محبوبیت، ظرفیت اجرایی یا تحقق قطعی نتایج نیستند. منابع خبری برای تثبیت خط زمانی و داده‌های جاری و منابع دانشگاهی برای چارچوب تحلیلی به کار رفته‌اند.

- [1] Schumpeter, J. A. (1942). *Capitalism, Socialism and Democracy*. Harper & Brothers.
- [2] Lewin, K. (1951). *Field Theory in Social Science*. Harper & Row.
- [3] Aguilar, F. J. (1967). *Scanning the Business Environment*. Macmillan.
- [4] O'Donnell, G., & Schmitter, P. C. (1986). *Transitions from Authoritarian Rule: Tentative Conclusions about Uncertain Democracies*. Johns Hopkins University Press.
- [5] North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and Social Orders*. Cambridge University Press. [Link](#)
- [6] Chenoweth, E., & Stephan, M. J. (2011). *Why Civil Resistance Works*. Columbia University Press. [Link](#)
- [7] Downes, A. B., & Monten, J. (2013). Forced to Be Free? Why Foreign-Imposed Regime Change Rarely Leads to Democratization. *International Security*, 37(4), 90-131. [Link](#)

- [8] Geddes, B., Wright, J., & Frantz, E. (2018). How Dictatorships Work. Cambridge University Press. [Link](#)
- [9] World Bank. Iran, Islamic Republic: Country Overview and Development Data. [Link](#)
- [10] World Bank. GDP per capita (constant 2015 US\$) – Iran, Islamic Rep. [Link](#)
- [11] World Bank Gender Data Portal. Iran, Islamic Rep.: Labour force participation and gender indicators. [Link](#)
- [12] International Monetary Fund. World Economic Outlook Database, July 2026. [Link](#)
- [13] International Monetary Fund. IMF Conditionality – Factsheet. [Link](#)
- [14] World Bank Group. Annual Report and IBRD financing framework. [Link](#)
- [15] Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA). Political Risk Insurance: War and Civil Disturbance. [Link](#)
- [16] Maddison Project Database 2023. Historical GDP and GDP per capita series. [Link](#)
- [17] GAMAAN. (2024). Political Preferences of Iranians. [Link](#)
- [18] GAMAAN. (2026). Iranians’ Attitudes Toward the 2026 Protests and War. [Link](#)
- [19] Reuters. (2026, July 27). Regime change: Inside Reza Pahlavi’s faltering bid to lead Iran. [Link](#)
- [20] Reuters. (2026, August 30). U.S. forces strike Iranian launchers on Larak Island. [Link](#)
- [21] Reuters. (2026, August 31). Gulf markets and security concerns amid U.S.–Iran escalation. [Link](#)
- [22] United Nations Population Fund, Iran. Population Ageing and Demographic Transition. [Link](#)
- [23] Chartered Institute of Personnel and Development. PESTLE Analysis Factsheet. [Link](#)
- [24] University of Cambridge, Institute for Manufacturing. Force Field Analysis. [Link](#)
- [25] U.S. Energy Information Administration. The Strait of Hormuz and Iran energy overview. [Link](#)
- [26] Reza Pahlavi. (2026, July 6). Address to the Dutch House Foreign Affairs Committee: principles for Iran’s transition. [Link](#)
- [27] Abrahamian, E. (2008). A History of Modern Iran. Cambridge University Press. [Link](#)
- [28] Afary, J. (1996). The Iranian Constitutional Revolution, 1906–1911. Columbia University Press.
- [29] Ansari, A. M. (2007). Modern Iran Since 1921: The Pahlavis and After (2nd ed.). Pearson Longman.
- [30] International Atomic Energy Agency. Reports and safeguards updates on the nuclear programme of Iran. [Link](#)

[31] بخشایش، پیمان. (۲۰۲۶). ایران، جنگ و گذار دموکراتیک: ترجمه تجربه ایرانیان حامی گذار به زبان حقوق بشر، امنیت و حاکمیت قانون اروپا.

[32] بخشایش، پیمان. (۲۰۲۶). قدرت سیاسی، بایدها و نبایدها: گذار ایران به سکولاردموکراسی، آشتی ملی و استقرار حاکمیت قانون.

[33] بخشایش، پیمان. (۲۰۲۶). از پراکندگی سیاسی تا هفت خانواده پارلمانی: بازسازی آناتومی حزبی ایران.

[34] بخشایش، پیمان. (۲۰۲۶). هنر دیالوگ و رتوریک در دل جنبش شیر و خورشید.

[35] حزب انسجام ملی ایرانیان. (۲۰۲۶). برنامه، دستورکار و پلتفرم سیاسی بنیان‌گذار: وحدت ملی، دموکراسی سکولار، حاکمیت قانون و صندوق رأی.

یادداشت پایانی: مقادیر ۲۰۲۶ تا ۲۰۵۰، بسته ۷۵ میلیارد دلاری و شکل منحنی آینده، سناریوهای تحلیلی نویسنده‌اند. آنها تعهد هیچ دولت یا نهاد مالی و تضمین نتیجه سیاسی یا اقتصادی نیستند.